

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره هفتاد و یکم، زمستان ۱۴۰۲: ۵۴-۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

نوع مقاله: پژوهشی

آداب‌نامه‌نویسی در عصر قاجار

* محمد رضا حاجی آقا بابایی

** فائزه سعادت‌ی مسرور

چکیده

آداب‌نامه یکی از زیرگونه‌های ادبیات تعلیمی است که به آموزش مهارت‌های لازم برای حضور فرد در عرصه اجتماع می‌پردازد. از میانه عصر قاجار، شاهد رونق گرفتن انواع آداب‌نامه‌ها هستیم. در این پژوهش، ویژگی‌های ساختاری و محتوایی چهل آداب‌نامه به شیوه توصیفی-تحلیلی بررسی و تحلیل شده است. زبان و نشر آداب‌نامه‌های عصر قاجار در آغاز بیشتر نثری بینابین است و گاهی آثار تکلف در آنها دیده می‌شود. با گسترش متون ترجمه‌شده و همچنین رونق روزنامه‌نگاری، نثر آداب‌نامه‌ها نیز به سمت وسوی سادگی حرکت کرد و مخاطبان به‌آسانی می‌توانستند از این دسته از متون بهره‌مند شوند. از میانه عصر قاجار به بعد، به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه، شاهد تغییر مخاطبان این آثار هستیم و به آموزش زنان و کودکان، توجه ویژه‌ای می‌شود و تعداد آداب‌نامه‌هایی که برای نوجوانان و زنان نوشته شده است، فزونی می‌گیرد. پس از انقلاب مشروطه، شاهد دگرگونی در ساختار برخی از آداب‌نامه‌ها می‌شویم که برخاسته از تغییر نگرشی است که در سطح جامعه پدید آمده است. از نظر محتوایی نیز آداب‌نامه‌های عصر قاجار از تحولات اجتماعی آن روزگار اثر پذیرفته‌اند و بیشتر در پی آموزش و آماده‌سازی

hajibaba@atu.ac.ir

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ایران

F_saadati@atu.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ایران



افراد برای حضور مؤثر در جامعه برمی‌آیند. آداب‌نامه‌هایی که به آموزش مسائل اخلاقی اختصاص دارد نیز بیشتر به آموزش سبک زندگی و آداب معاشرت پرداخته‌اند و این امر بیانگر دور شدن جامعه ایرانی از دیدگاه‌های سنتی و حرکت به سمت‌وسوی دورانی تازه است.

واژه‌های کلیدی: گونه‌شناسی ادبی، ادبیات تعلیمی، آداب‌نامه‌نویسی و نشر، عصر قاجار.

مقدمه

در عصر قاجار، حوادث و تحولات گوناگون در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجب شد تا اندیشمندان ایرانی و پاره‌ای از سیاست‌مداران به این نتیجه برسند که تنها راه پیشرفت و توسعه ایران، آگاهی از علوم و دانش‌های جدید و همچنین دگرگونی محتوای متون آموزشی و ایجاد سبک تازه‌ای در زندگانی ایرانیان است. بر اساس این دیدگاه، شاهد گسترش متون تعلیمی در عصر قاجار هستیم و آثار گوناگونی در زمینه آموزش دانش‌ها و مهارت‌های اجتماعی پدید آمد که در سوق دادن جامعه ایرانی به سمت‌وسوی تجدد، نقش فراوانی بر عهده داشتند.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌هایی که می‌توان میان ادبیات عصر قاجار و دوره‌های پیش از آن برشمرد، توجه به نثرنویسی در حوزه‌های مختلف است. با توجه به این که سنت ادبی ما بر پایه شعر شکل گرفته است، این رویکرد تازه و پیدایی انواع جدید ادبی در حوزه نثر فارسی از اهمیت فراوانی برخوردار است (حاجی آقابابایی، ۱۴۰۰: ۷). از میانه عصر قاجار، توجه به ادبیات تعلیمی، به‌ویژه آداب‌نامه‌نویسی رواج می‌یابد و شاهد پیدایی متون آموزشی در موضوعاتی همچون سبک زندگی فردی و اجتماعی، آموزش فنون و حرفه‌ها، آموزش انواع بازی و سرگرمی و... هستیم.

آداب‌نامه، عنوانی کلی برای آن دسته از متون تعلیمی است که به آموزش سبک زندگی فردی و اجتماعی، آموزش دانش یا حرفه‌ای خاص به صورت عملی و بیان دستورالعمل‌های کاربردی می‌پردازد. با توجه به رواج آداب‌نامه‌ها در عصر قاجار، تحقیق درباره این زیرگونه ادبیات تعلیمی، اهمیت فراوان می‌یابد. این پژوهش در پی آن است تا به علل رواج این گونه در عصر قاجار و مهم‌ترین شاخص‌های این گونه از نثر بپردازد و انواع آن را مشخص نماید.

در این پژوهش به صورت هدفمند، داده‌های پژوهش از راه مطالعه اسنادی گردآوری شده است. آمار کاملی از آداب‌نامه‌های دوران قاجار در دست نیست و با بررسی‌های کتابخانه‌ای و فهرست‌نسخ خطی، در بازه این پژوهش، چهل آداب‌نامه یافت شد که به شیوه توصیفی-تحلیلی بررسی شد.

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع آداب‌نامه‌نویسی در عصر قاجار، تاکنون پژوهش‌چندانی در این زمینه صورت نگرفته است. پس از جست‌وجو در منابع مختلف، آثار زیر به دست آمد که برخی از آنها نیز خارج از بازه تاریخی این پژوهش قرار می‌گیرد:

قیومی (۱۳۸۶) در مقاله «آداب صناعات (آداب‌نامه‌های مشق در مقام منابع تاریخ هنر ایران)» در آغاز به تعریف دقیق ادب و ادبا پرداخته و سپس آداب‌نامه‌های مربوط به خوش‌نویسی را بررسی کرده است.

ترابی فارسانی و غندی (۱۳۹۴) در پژوهش «آداب‌نامه‌ها و جایگاه آنها در تاریخ‌نگاری اجتماعی» به بررسی تأثیر آداب‌نامه‌های عصر قاجار بر تاریخ‌نگاری اجتماعی پرداخته است. آداب‌نامه‌ها با تنوع مضامین و مباحثی که به زندگی و آداب اجتماعی رایج هر عصر می‌پردازند، از منابع مهم تاریخی هستند.

ایران‌پور (۱۳۹۸) در مقاله «تبیین جایگاه آداب‌نامه‌های مشق در نظام سنتی آموزش در خوش‌نویسی اسلامی»، وجوه آموزشی آداب‌نامه‌های خوش‌نویسی و انگیزه‌های تألیف این متون را بررسی کرده است.

نتیجه پژوهش ترکمنی آذر (۱۳۹۹) با عنوان «جایگاه و عملکرد رکن سپاه در ساختار حکومت ایرانیان (مطالعه‌ای بر آداب‌نامه‌ها و متون تاریخی قرن ششم)» بیانگر آن است که پادشاهان و حکمرانان برای گردآوری و تنظیم و ترتیب سپاهیان نیاز به دانش و درایت دارند؛ زیرا با گذشت زمان و پیشرفت دانش و فناوری در نهایت ابزار فیزیکی جنگ، مدرن‌تر شده و میدان جنگ تغییر می‌کند.

آداب‌نامه‌نویسی و گونه‌های آن در عصر قاجار

دوران قاجار (۱۳۰۴-۱۱۷۳ ه. ش)، یکی از دوره‌های پرآشوب تاریخ ایران به شمار می‌آید و هرچند از نظر سیاسی، شاهد ناتوانی حاکمان و بیشتر کارگزاران حکومتی هستیم، از نظر تحولات فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه از میانه این دوران به بعد، با یکی از

درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی ایران مواجه می‌شویم. آشنایی ایرانیان با دنیای غرب و تلاش برای آموختن علوم جدید و آشنایی با عناصر دنیای مدرن موجب شد تا اندک اندک، ایران از کشوری عقب‌مانده و گرفتار جهل و خرافات به کشوری در مسیر توسعه و پیشرفت تبدیل شود، هرچند عوامل گوناگون داخلی و خارجی، دشواری‌های فراوانی در این راه پدید آوردند و نگذاشتند جریان توسعه در ایران رشد چشمگیری یابد. از میانهٔ عصر قاجار، روح نوجویی در زمینه‌های گوناگون به چشم می‌خورد و عصر ناصری و دوران پس از آن، تبدیل به میدان جدال بین سنت‌گرایان و نوگرایانی می‌شود و برای گسترش علوم جدید و ایجاد دیدگاه‌هایی تازه، عرصه‌های مختلف جامعه ایرانی تلاش می‌کنند.

با مطالعهٔ تاریخ عصر قاجار متوجه می‌شویم که هرچند تحولات در ساختارهای سیاسی و اجتماعی به‌کندی صورت می‌گرفت، در حوزهٔ ادبیات شاهد تحولات گسترده و شکل‌گیری گونه‌های تازهٔ ادبی در گونه‌های پیشین هستیم. «این کشمکش، حالت تاریخی ویژه‌ای به وجود آورد که در آن ادبیات به‌طور عام، از نوعی یکپارچگی و هم‌آهنگی برخوردار نبود. سنت‌گرایی و نوآوری، مشخصهٔ اصلی فرهنگ این دوره است» (آجودانی، ۱۳۸۵: ۵۶). فراوانی انواع نثر در دورهٔ قاجار بسیار چشمگیر است. «هیچ‌یک از ادوار ادبی ایران از حیث نثر، این‌قدر پرمحصول و برومند نبوده و تا این درجه از جهت مضمون و مطلب تنوع نداشته و در بسیاری از رشته‌ها، بهترین نمونه‌های ادبیات ایران در این دوره به وجود آمده است» (ناتل خانلری، ۱۳۲۶: ۱۳۱).

یکی از پربسامدترین انواع ادبی در نثر این دوره، کتاب‌ها و رساله‌های آموزشی-تعلیمی هستند. این گونهٔ ادبی، خود شامل زیرگونه‌های گوناگونی است که یکی از زیرگونه‌های مهم و برجستهٔ آن، آداب‌نامه است. نویسندگان آداب‌نامه‌ها در پی آموزش و تعلیم اصول و دستورالعمل‌های اجرایی به مخاطبان هستند. یکی از علت‌های رواج آداب‌نامه‌نویسی در عصر قاجار، تلاش برای آشنا کردن مردم با شیوهٔ زندگی در جامعه‌ای توسعه‌یافته و کوشش برای بهبود کیفیت زندگی مردم بوده است. آداب‌نامه‌های این عصر، تحت تأثیر دیدگاه‌های موجود در آن روزگار در دو گروه عمده قابل بررسی هستند:

گروهی که به تثبیت شرایط موجود و سنت جامعه یاری می‌رسانند و گروهی متأثر از آثار و اندیشه‌های غربی در پی تغییر و تحولاتی در مبانی اخلاقی و رفتارهای اجتماعی مردمان هستند. علاوه بر انتشار این آداب‌نامه‌ها در قالب کتاب، با تأسیس مجله‌های ویژه بانوان، توجه به آموزش سبک زندگی و آداب معاشرت و مسائل مرتبط با زنان در این نشریه‌ها نیز مورد توجه قرار گرفت و در قالب مقالات نیز به این موضوعات پرداخته شد.

بخش گسترده‌ای از آداب‌نامه‌های این عصر به نثر نوشته شده است. نثر آداب‌نامه‌های عصر قاجار، از نثری بینابین تا نثری ساده را در برمی‌گیرد و هرچه به اواخر عصر قاجار نزدیک می‌شویم، بسامد سادگی نثر این متون افزوده می‌گردد. مقدمه‌های این آداب‌نامه‌ها گاهی با توجه به مخاطب آنها، دارای لحنی متملقانه است و معمولاً نثری آراسته به آرایه‌های ادبی در آن دیده می‌شود و نویسنده به تناسب موضوع از آیات قرآنی و روایات و امثال و اشعار فارسی و عربی استفاده می‌کند. مخاطبان این متون عموماً مردان هستند. البته اندک‌اندک و با رشد فرهنگی جامعه، به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه، توجه به مسئله آموزش زنان و حضور آنان در اجتماع در این گونه آثار دیده می‌شود و برخی از نویسندگان زن نیز به نوشتن آداب‌نامه‌هایی با موضوع سبک زندگی پرداختند. دسته‌ای از آداب‌نامه‌های عصر قاجار بر اساس آشنایی با کتاب‌ها و مقالات غربی و ترجمه از دیگر زبان‌ها پدید آمده‌اند. این آداب‌نامه‌ها، بیشتر به موضوع سبک زندگی اختصاص دارد و در پی تربیت و آماده‌سازی نسل جوان برای حضور فعال در جامعه است.

در ادامه، شاخصه‌های پیرامنی و شاخصه‌های درون‌متنی این دسته از متون بررسی می‌شود.

شاخصه‌های پیرامنی آداب‌نامه‌ها

منظور از شاخصه‌های پیرامنی، موضوعاتی است که خواننده پیش از ورود به مطالب اصلی کتاب با آنها روبه‌رو می‌شود. این موضوعات گاهی به گونه‌ای است که موجب شکل‌دهی دیدگاهی خاص در ذهن خواننده می‌گردد. از عوامل پیرامنی می‌توان به عنوان کتاب‌ها، مقدمه‌ها و توضیحات کتاب، تقدیمیه کتاب و موضوعاتی از این دست اشاره کرد.

نام کتاب

با بررسی‌های صورت‌گرفته مشخص شد که آداب‌نامه‌های عصر قاجار به سه شیوه نام‌گذاری شده‌اند. تعداد زیادی از این آثار با توجه به محتوا و درون‌مایه خود نامی بر آنها گذاشته شده است. آثاری چون «آداب التجاره» اثر محمدباقر بهبهانی، «تأدیب الاطفال» اثر مفتاح‌الملک، «رسالة اخلاقيه» اثر میرزا آقا منشی‌باشی، «تأدیب الحسنات» از سکینه رمزی، «طبخ ایرانی و فرنگی» از ریشار خان مؤدب‌الممالک، «رساله در بازی نرد و شطرنج» اثر اعتضادالسلطنه، رساله «شطرنجیه» نوشته فرصت شیرازی، «رساله ناناویان» از مؤلفی ناشناخته، «آداب‌القمار» محمدامین قاجار، «راهنمای سفر» اثر مسیو مارتنسک، «علم الطبخ الاطعمه و الاشریه و المزورات و المعالجین» از مؤلفی ناشناخته، «تربیت البنات» ترجمه عزیزالله‌خان منشی.

برخی از نویسندگان آداب‌نامه‌ها، نام کتاب خود را به سبب تقدیم اثر به شاه یا کسی دیگر و یا بر اساس محتوای آن تنظیم کرده‌اند؛ مانند «آداب ناصری» اثر ابراهیم‌خان خلوتی، «بازنامه ناصری» اثر تیمور میرزا و «اخلاق مظفری» اثر میرزا آقاخان نوایی. گروهی دیگر از نویسندگان، نام‌های ادبی و استعاری برای کتاب خود برگزیده‌اند، مانند «منهاج‌العلی» اثر ابوطالب بهبهانی. عنوان برخی کتاب‌ها نیز طنزآمیز است؛ مانند رساله «حضرت وافور» در نقد اعتیاد اثر محمدباقر تاجر یزدی و همچنین رساله «مرد و آداب مردی» از امیراصلان که در نقد مردم‌داری و مردسالاری است. کتاب «تأدیب النسوان» نیز دارای عنوانی تحقیرآمیز نسبت به زنان است. گاهی نیز نویسنده بر اساس اثری دیگر، نام کتاب خود را تعیین کرده است؛ مانند رساله «مقویم» نوشته میرزا حبیب‌الله نظام افشار که نقیضه‌نویسی متون تقویمی و نجومی است.

مقدمه کتاب

در مقدمه این آثار معمولاً مسائلی چون انگیزه تألیف، تقدیمیه و فصل‌بندی کتاب بیان شده است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف) انگیزه تألیف کتاب

نویسندگان آداب‌نامه‌ها، انگیزه تألیف خود را گاه در آغاز کتاب و گاهی در پایان آن آورده‌اند. انگیزه تألیف آداب‌نامه‌ها، متفاوت است. گاهی نویسندگان علت نوشتن کتاب خود را رفع نیاز مخاطبان عام بیان می‌کنند. بهبهانی در «آداب التجاره» چنین آورده است: «اما بعد این رساله‌ای است در احکام تجارات و مکاسب - حسب التماس برادران دینی - مراعات ایشان لازم بود - تألیف شد» (بهبهانی، بی تا: ۱).

برخی دیگر از این آثار نیز به درخواست مخاطبی خاص نوشته شده است. نادر میرزا در «کارنامه خورش» درباره انگیزه تألیف کتاب می‌نویسد: «شبی بانوی من گفت: بیا تا چامه گوئیم که شب بس دراز است و افسون خواب چامه است. گفتیم: نخست تو گوی و من نیز داستانی به یاد آرم و دیگر شب گوئیم. سرود که خورش‌های ایران زمین چند گونه است؟ گفتیم: چه دائم که خوردنی و پختنی زنان سازند و پزند. تو گوی هر آنچه دانی از این و من تو را نگارنده باشم» (قاجار، ۱۳۹۹: ۲۷).

«شاهبازنامه» جمال‌الدین میرزا محمد قاجار نیز به دستور اعتضادالسلطنه و «تربیت البنات» عزیزالله خان منشی نیز بر حسب اشاره و تشویق آقا میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی نوشته شده است.

گاهی نویسنده در پی آن است که آموخته‌ها و تجربه‌های زیسته خود را به فرزندان و نوادگان خود انتقال دهد. از این رو به نوشتن آداب‌نامه پرداخته است. در مقدمه آداب ناصری ابراهیم خان خلوتی چنین بیان شده است: «وقتی دانستم که وقت نمانده، روزی فهمیدم که عمری گذشته، نیکبخت آنکه بر سبیل سداد و رشاد زیست و بدبخت آنکه بر طریق بغی و فساد و زندقه و الحاد ماند. با خود گفتم شرحی از هر مقوله در بدو دیوان خود به یادگار اهل و تبار برگذارم و گذارم [...] شاید صلاح و فلاح یابند» (خلوتی، ۱۲۶۴: ۱-۲). میرزا آقاخان نوایی نیز در مقدمه کتاب «اخلاق مظفری» اینگونه آورده است: «زیادت مهر و وفور حفاوت من بنده مر فرزند خود میرزا محمدخان، حفظ‌الله تعالی را تحریض و ترغیب نمود که از آن کنوز حکمت و خزائن معرفت که از بزرگان رسیده

است، برای وی ذخیره بگذارم و موجبات تهذیب نفس و تمهید اخلاق وی را مجتمع سازم» (نوایی، ۱۳۹۷: ۷۳).

گروهی دیگر از نویسندگان، انگیزه تألیف کتاب خود را آموزش مهارت و آداب خاصی به مخاطبان می‌دانند؛ زیرا معتقدند که مخاطبان در این مسائل، آگاهی چندانی ندارند. این انگیزه را می‌توان هدف عام تمام آداب‌نامه‌ها دانست. در عصر قاجار با برجسته شدن و اهمیت لزوم پیشرفت و آگاه نمودن مردم، اندیشمندان و نویسندگان این دوره برای آموزش و تعلیم اخلاق به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان، آداب‌نامه‌های اخلاقی فراوانی پدید آوردند. منشی‌باشی در آغاز رساله اخلاقیه خود چنین نوشته است: «بر رای حقیقت‌نمای صاحبان تمییز و تمکین و وافقان مراتب رسوم و آیین، مخفی و پوشیده نیست که در هر عصری از اعصار بر هر یک از آحاد و افراد اهل روزگار لازم و واجب است که در فواید و منافع ملت خود بکوشد و دانایان ملت و عالمان امت را فرض عین و عین فرض می‌باشد که به مقتضای هر وقتی از نتایج علوم و فنون ملت خود بهره‌ور و مفتخر فرمایند» (تبریزی (منشی‌باشی)، ۱۳۸۲: ۱۹۱).

عده‌ای از نویسندگان نیز انگیزه تألیف کتاب را آگاه ساختن مردمان و از بین بردن جهل بیان کرده‌اند. آثاری که برای زنان و دختران نوشته شده است، معمولاً اینگونه است. فخرالتاج رمزی در مقدمه کتاب «تعلیم الحسنات» چنین نوشته است: «اگر درست تصور نمایید، امروز سلسله و طایفه بدبخت‌تر و محروم‌تر از همه چیز مخدرات و دوشیزگان ایران است و بس. و حال آنکه طایفه زنان، میزان ترقی یک ملت و موقع اهمیت آنان در این جهان خیلی بلند است [...] بیایید مروتی کرده، دست این بانوان فلک‌زده را گرفته، از گرداب فلاکت و نادانی و از ورطه بدبختی و ناتوانی بساحل سلامت و سعادت بکشانید» (رمزی، ۱۳۳۴: ۲-۳). کتاب‌های «منهاج العلی» ابوطالب بهبهانی، «تأدیب النسوان» و بخش پایانی «تأدیب الاطفال» مفتاح‌الملک درباره آداب خوردن، خوابیدن و... نیز بر همین اساس نوشته شده است.

گروهی دیگر از نویسندگان با توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی اواخر عصر قاجار و

برای نقد و اعتراض به برخی رفتارهای موجود در جامعه، آداب‌نامه‌هایی نوشته‌اند که بیشتر رنگ و بویی انتقادی نسبت به مسائل اجتماعی و جهل و خرافات موجود در جامعه دارد. بیشتر این آداب‌نامه‌ها با لحنی طنزآمیز نوشته شده است. برای نمونه میرزا حبیب نظام افشار با هدف انتقاد از جهل و خرافات موجود در جامعه، نقیضه‌ای با عنوان «مقویم» تألیف کرده است و پیش‌گویی‌های نجومی رایج در آن روزگار را به سخره گرفته است: «اوضاع کواکب در این ماه دلالت کند بر سلامتی وجود شاهنشاهی و حلیت آب و حرمت شراب و شیرینی قند و شوری نمک و ترشی سرکه و تلخی تریاک و سختی سنگ و سستی شیشه و سردی یخ و گرمی آتش و سفیدی صبح و تابشیر و سیاهی شب و زغال و ارزانی بعضی از مأكولات مثل غصه و کتک و پشت‌گردنی... جمعه نیکست ناهار خوردن روز و شام در شب و خوابیدن الی دو ساعت از روز گذشته را بدست خواندن نماز و اقدام در حسنات و شکر نعمت را و...» (نظام افشار، ۱۳۲۴: ۲).

کتاب «آداب مردی» نیز آداب‌نامه‌ای منظوم از امیراصلان است که در نقد مردسالاری سروده شده است. رساله «تزوینج‌نامه یا نکاحیه» اثر میرزا باقر قزوینی متخلص به ناجی نیز درباره آداب خواستگاری و رسم و رسوم آن و اندکی مطایبات و اشعار هجوآمیز است. رساله «حضرت وافور» نوشته محمدباقر تاجر یزدی در نقد اعتیاد و رفتار معتادان نیز با لحنی طنزآمیز نوشته است. وی درباره آراستن مجلس تریاک‌کشی چنین می‌گوید:

| | |
|---------------------------|--------------------------|
| سماور بکن آب و آتش فکن | بزودی بیاور در این انجمن |
| نما دم بزودی تو چای سفید | خمار آمد و موسمش در رسید |
| بچسبان تو حبّ و کبابش نما | که ترسم شود موسم آن قضا |
| بگیر انبر و آتشی ده به من | چه آتش مثال گلی در چمن |

(تاجر یزدی، ۱۳۱۵: ۱۸)

پاره‌ای از نویسندگان آداب‌نامه‌ها، علت و انگیزه خود را از نگارش اثر خود نگفته‌اند، مانند «رساله در بازی نرد» و «شرح شطرنج» از اعتضادالسلطنه. شاید با توجه به عنوان کتاب که بیانگر محتوای آن است، نویسندگان از بیان دلیل نگارش کتاب خودداری کرده است.

(ب) تقدیمیه

یکی از سنت‌های رایج در متون ادب فارسی، تقدیم اثر به شاهان و یا یکی از بزرگان حکومتی و یا شخصیتی معنوی و یا یکی از نزدیکان نویسنده است. «تقدیمیه در قدیم به اتحاف به معنی پیش‌کش کردن و هدیه دادن شهرت داشته است» (بابایی، ۱۳۸۴: ۲۲۵). اهدا کردن اثر به این اشخاص، اهداف گوناگونی داشته است؛ اما از برجسته‌ترین علل این امر می‌توان به برخورداری از حمایت مالی و معنوی بزرگان اشاره کرد تا اثر تحت حمایت و پشتیبانی ایشان، نشر بیشتری یابد و ماندگار شود. این سنت در متون تعلیمی عصر قاجار نیز دیده می‌شود و پاره‌ای از نویسندگان با اهداف گوناگون، آثار خود را به شاهان و شاهزادگان قاجاری تقدیم کرده‌اند. این تقدیمیه‌ها گاه بر عنوان و نام اثر هم تأثیر نهاده است، مانند «آداب ناصری» و «بازنامه ناصری». نویسندگان بازنامه ناصری، چنین نوشته است: «این کتاب را بنام مستطاب همایون اعلیحضرت مالک‌الرقاب مفتخر داشتیم و بازنامه ناصری نام نهادم و بر چند باب مشتمل ساخته...» (تیمور میرزا، ۱۲۸۵: ۸).

گاهی نیز در مقدمه کتاب، نویسنده، اثرش را به کسی تقدیم کرده است. کتاب‌های «آداب القمار» محمدامین قاجار، «بازنامه ناصری» نوشته تیمور میرزا، «رساله شطرنجیه» اثر اعتضادالسلطنه و کتاب «منهاج العلی» اثر ابوطالب بهبهانی به ناصرالدین‌شاه تقدیم شده است. در «آداب ناصری»، ابراهیم‌خان خلوتی کتاب خود را اینگونه به ناصرالدین‌شاه تقدیم کرده است:

«اکنون که هزار و سیصد و سه هجریست و پنجاه و یک مرحله از عمر طی شده و سال سی‌ونهم جلوس میمنت مأنوس خدایگان سلاطین است، بحکم قدمت خدمت بیش از پیش منظور نظر رأفت و ترحم شاهنشاه عاجزنواز دشمن‌گداز است تا وقتم کی سرآید و جانم کی برآید هوالذی لایموت...»

پر دُر شد این کتاب چو از تازی و دری در فیض عام گشت چو خورشید خاوری
مطبوع طبع خسرو صاحبقران فتاد یعنی که گشت شهره بآداب ناصری»

(خلوتی، ۱۲۶۴: ۷-۸)

پ) فصل‌بندی

در بیشتر آداب‌نامه‌ها، نویسنده برای سهولت و دسترسی آسان مخاطب به مطالب کتاب، آن را به باب‌ها و فصل‌های گوناگون تقسیم کرده است. گاهی مؤلفان خود در آغاز اثر به این فصل‌بندی اشاره‌ای می‌کنند. نویسنده «آداب القمار»، باب‌های کتاب خود اینگونه شرح داده است: «لعب اول در آداب شطرنج باختن و آن در سه بساط است...؛ لعب دوم در آداب نرد باختن و آن در سه بساط است...؛ لعب سوم در آداب آس باختن است و آن در سه بساط است...؛ لعب چهارم در آداب گنجفه باختن و در آن سه بساط است...؛ لعب پنجم در آداب بیجاز باختن است و آن در سه بساط است...؛ لعب ششم در آداب دوز باختن است و آن در دو بساط است...؛ لعب هفتم در آداب قاپ بازی است و آن در سه بساط است...؛ لعب هشتم در آداب بازی‌هایی است که با پول سیاه نمایند و آن در سه بساط است...؛ لعب نهم در بعضی بازی‌هایی که هر یک در مکانی معمول و مصلح است و آن چند قسم است...» (قاجار، ۱۲۸۰: ۱۲-۱۴).

در میان آداب‌نامه‌های بررسی شده در این عصر، «آداب القمار» نه لعب و یک خاتمه، «رساله شطرنجیه» اثر فرصت شیرازی یک مقدمه، دو باب و یک خاتمه، «رساله منشی‌باشی» یک مقدمه، چهارده فصل و یک مؤخره، «آداب معاشرت نسوان» صدیقه دولت آبادی در چهار فصل، «تأدیبات النسوان» یک مقدمه و ده فصل، «آداب الشریعه المطهره» اثر محمدباقر فشارکی در چهارده باب، «مفتاح الرزق فی آداب الخادم و المخدم» اثر میرزا محمد شیرازی در یک مقدمه و دو مفتاح و یک خاتمه تألیف شده‌اند. توجه به فصل‌بندی و باب‌بندی آداب‌نامه‌ها بیانگر توجه نویسندگان این آثار به مخاطب و دستیابی سریع ایشان به موضوعات کتاب است.

دیباچه‌های آداب‌نامه‌ها نیز در بیشتر موارد به پیروی از سنت گذشته ادب فارسی با حمد خداوند، نعت پیامبر و مدح شاه زمان آغاز می‌شود و سپس نویسنده به انگیزه تألیف و بیان باب‌های اثر می‌پردازد. برخی از این آثار نیز بدون دیباچه و فقط با مقدمه

کوتاهی دربارهٔ موضوع کتاب شروع می‌شود، مانند «علم الطبخ الاطعمه و الاشریه و المزورات و المعالجین».

شاخصه‌های درون‌متنی آداب‌نامه‌ها

آداب‌نامه‌های عصر قاجار تحت تأثیر عوامل گوناگونی پدید آمده‌اند. برخی به پیروی از کتاب‌های اخلاقی گذشتگان و برخی دیگر تحت تأثیر اندیشه‌ها و دیدگاه‌های تازه نوشته شده‌اند. پس از انقلاب مشروطه، آداب‌نامه‌نویسی دستخوش تغییراتی شد و این تغییرات در محتوا و فرم این متون، تأثیر بسزایی داشت. آنچه در این آداب‌نامه‌ها نمود بیشتری دارد، توجه به آموزه‌های عملی و آموزش سبک زندگی و مهارت‌های کاربردی است و کمتر به شیوه متون تعلیمی گذشته به بیان مفاهیم کلی اخلاقی پرداخته‌اند. با بررسی آداب‌نامه‌های عصر قاجار می‌توان پاره‌ای اشتراکات محتوایی در آنها دید که در ادامه به بیان آنها می‌پردازیم.

نگاه ویژه به پسران

از دیرباز در پندنامه‌ها و متون تعلیمی فارسی، مخاطب پسران و مردان هستند و نویسندگان این آثار تنها به بهبود و پرورش زندگی فردی و اجتماعی مردان می‌اندیشیده‌اند و اگر موضوعی درباره زنان بیان شده است، توصیه‌ای به مردان است که با ایشان چگونه رفتار کنند. در آداب‌نامه‌های عصر قاجار نیز نویسندگان، متناسب با شرایط و اوضاع زمانه همچنان نگاه ویژه‌ای به پسران دارند. محمدامین قاجار، «آداب القمار» را برای آموزش قمار به پسرش نوشته است: «بدان ای فرزند، من این کار را از آن روی پیش گرفتم که بخت پشت بر من کرد و اقبال روی بگردانید...» (قاجار، ۱۲۸۰: ۱۰) و یا محمد ابراهیم‌خان خلوتی، «آداب ناصری» را در آموزش آداب زندگی فردی و اجتماعی پسرانش تألیف کرده است. همچنین رسالهٔ «تربیت اطفال» اثر میرزا رضا مترجم‌السلطان که برای تربیت و تعلیم فرزندش آقا طاهر نوشته شده است (ترابی‌فارسانی و شرفیان‌پور، ۱۴۰۱: ۲۲). «تأدیپ النسوان»، رساله‌ای زن‌ستیز از نویسنده‌ای گم‌نام برای آموزش مردان

نوشته شده است تا زنان و دختران خود را بر اساس آن تربیت کنند. نویسنده خطاب به مردان می‌نویسد: «امید آنکه این مختصر را بدختران خودشان بدهند تا در مکتب‌خانه‌ها بخوانند» (بی‌نام، بی‌تا: ۵).

از میانه عصر قاجار، با تغییر شرایط جامعه و تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، در کنار آداب‌نامه‌های مردانه، آداب‌نامه‌هایی برای تربیت و آموزش زنان و دختران نیز پدید آمد و مطبوعات زنان در این زمینه نقش اساسی بر عهده داشتند. از گونه آداب‌نامه‌ها می‌توان به رساله «تأدیب الحسنات یا حفظ الصحه اطفال» اثر فخرالتاج (سکینه رمزی)، «تعلیم البنات» اثر میرزا محمدعلی خان و همچنین مقالات نشریه عالم نسوان و دیگر مطبوعات زنان اشاره کرد.

سادگی بیان

یکی از ویژگی‌های مهم و برجسته آداب‌نامه‌ها، سادگی و صراحت کلام متناسب با فهم مخاطب است. نویسندگان این گونه تعلیمی برای آموزش مطالب مورد نظر خود سعی می‌کنند تا ساده‌ترین زبان ممکن را به کار گیرند و معمولاً این نکته را یادآور می‌شوند که هدف از نوشتن این آثار، اظهار فضل و آراستن کلام نیست. نکته قابل توجه درباره نثر آداب‌نامه‌ها این است که نویسندگان، آثار خود را تنها برای اهل فضل و طبقه فرادست جامعه ننوخته‌اند، بلکه عموم مردم را مخاطب خود پنداشته و اصول و دستورالعمل‌های خود را برای همگان نوشته‌اند. از این‌رو شاهد نثری روان و به دور از پیچیدگی در اکثر این متون هستیم و خود نویسندگان به ویژگی توجه داشته‌اند.

مفتاح‌الملک در مقدمه «تأدیب الاطفال» چنین نوشته است: «مقصود از این کتاب، فضیلت‌فروشی و اظهار فصاحت نبود. مخصوصاً در سهولت عبارات آن و عدم رعایت سجع و قافیه و به کار نبردن عبارات عربی و اشعار نیز تعمد کرد تا به فهم اطفال نزدیک باشد» (مفتاح‌الملک، ۱۲۹۳ق: ۳). محمدباقر فشارکی نیز در رساله «آداب الشریعه المطهره» در آغاز کتاب به فهم مخاطبان توجه می‌کند: «حقیر، این رساله را تألیف نموده و آنچه مناسب فهم ایشان بود، از سنن و آداب به عدد درآورده و همه را از اخبار اهل بیت

علیهم‌السلام استفاده نموده...» (فشارکی، بی‌تا: ۱۲). یا در رساله «شطنجیه»، فرصت شیرازی در مقدمه چنین آمده است: «چون سهولت استفاده طالبان، منظور نظر و مقصود خاطر بود، در توضیح عبارات آن اهتمام وافر شده...» (فرصت شیرازی، ۱۲۹۱ق: ۹).

موضوع

آداب‌نامه‌های عصر قاجار در موضوعات گوناگونی نوشته شده است که می‌توان آنها را در چهار دسته کلی قرار داد: آداب‌نامه‌های اخلاقی، آداب‌نامه‌های مهارتی، بازی‌نامه‌ها و آداب‌نامه‌های سیاسی - نظامی.

الف) آداب‌نامه‌های اخلاقی

برخی از آداب‌نامه‌های عصر قاجار در پی آموزش مهارت‌های رفتاری و چگونگی معاشرت با دیگران هستند که می‌توان آنها را آداب‌نامه‌های اخلاقی نامید که به آموزش اخلاق فردی و اجتماعی می‌پردازند. این آداب‌نامه‌ها در ابتدا تحت تأثیر متون اخلاقی پیشین نوشته شده است؛ اما با گذشت زمان و آشنایی با آثار غربی، محتوای این آداب‌نامه‌ها دستخوش تغییرات گسترده شد.

محتوای این دسته از کتاب‌ها پیش از انقلاب مشروطه، بیشتر به موضوعاتی همچون اطاعت و فرمان‌برداری از سلاطین، پرهیز از خیانت و تزویر، رعایت احترام بزرگان، وفای به عهد، پرهیز از خودستایی، پرهیز از دروغ و گزافه‌گویی، تلاش برای کسب نام نیک، ستایش فضل و هنر، اهتمام به بذل و بخشش، پرهیز از خشم و ستیز با زیردستان، رعایت حرمت مهمان، تربیت صحیح فرزندان، رعایت تقوا و پرهیزگاری، فضیلت نماز و روزه، دوری از هوای نفس و... اختصاص دارد و از این نظر نمی‌توان تفاوت‌چندانی میان این آداب‌نامه‌ها و متون تعلیمی پیشینیان در نظر گرفت. «رساله اخلاقیه منشی‌باشی» از میرزا آقا تبریزی که شامل آداب و دستورهای اخلاقی به‌ویژه برای نوجوانان است و بخش‌هایی از کتاب «آداب ناصری» محمدابراهیم خان خلوتی که مشتمل بر آداب و دستورهایی برای جوانان و نوباوگان است و نویسنده درباره موضوعاتی همچون توکل، پرهیز از تنبلی، رعایت ادب، وفای به عهد، دوری از سخن‌چینی، نیکی به پدر و مادر و... بحث می‌کند و گاهی در میان سخن به آداب اجتماعی مانند گشاده‌رویی با میهمان نیز اشاره می‌کند.

بخش خاتمه کتاب «تأدیب الاطفال» از مفتاح‌الملک نیز به بیان آداب غذا خوردن، سخن گفتن و... اختصاص دارد. کتاب «آداب الشریعه المطهره» محمدباقر فشارکی نیز به بیان احکام دین درباره آداب لباس پوشیدن، حمام رفتن، غذا خوردن و آشامیدن و... می‌پردازد. «رهنمای سعادت» اثر احمد سعادت نیز برای تربیت اخلاقی و آموزش آداب خانه‌داری به دختران نوشته شده است. «حفظ الصحه مظفری» اثر محمدعلی خان مظفری نیز در آداب خوردن، آشامیدن، خوابیدن، راه رفتن و... ویژه دانش‌آموزان است. همچنین رساله‌ای با نام «رساله در احکام صید و ذباحت» اثر محمدکاظم بن محمدعلی درباره احکام حیوانات شکارشده، غذاها و نوشیدنی‌ها در این دوران نوشته شده است.

پس از آشنایی ایرانیان با مضامین و اندیشه‌های غربی، تغییرات چشمگیری در محتوای آداب‌نامه‌های اخلاقی پدید آمد و موضوعاتی همچون آموزش سبک و مهارت‌های زندگی در متون تربیتی و به‌ویژه مطبوعات اواخر عصر قاجار به چشم می‌خورد؛ مسائلی همچون آموزش معاشرت اجتماعی، قواعد زندگی زناشویی، رفتارهای فردی، چگونگی پوشش و آراستگی ظاهری زنان و آموزش بهداشت عمومی. این موضوعات «از مهم‌ترین موضوعاتی است که در متون تربیتی و مطبوعات اواخر عصر قاجار و دوره پهلوی اول منتشر می‌شود، مسائلی همچون حضور زنان در اجتماع، توجه ویژه به آموزش و تحصیل زنان، آموزش معاشرت اجتماعی و رفتارهای فردی، پرداختن به پوشش و آراستگی ظاهری زنان و موضوعاتی از این قبیل است و گویی بار دیگر ادبیات تعلیمی به سبک و شیوه‌ای تازه رواج یافته است و این بار بیشتر به جای پرداختن به مسائل نظری، به اخلاق عملی و چگونگی رفتار انسان‌ها در زمینه‌های مختلف توجه شده است که می‌توان آن را سبک زندگی نامید» (حاجی‌آقابابایی، ۱۴۰۲: ۲).

برای نمونه رساله‌ای با نام «تأدیب الحسنات یا حفظ الصحه اطفال» اثر فخرالتاج (سکینه رمزی) برای آشنایی دوشیزگان با آداب نگهداری کودکان نوشته شده است. رساله «تعلیم البنات» اثر میرزا محمدعلیخان نیز در آموزش آداب و مهارت‌های زندگی به زنان و دختران تألیف شده است.

پس از انتشار روزنامه‌های ویژه بانوان همچون دانش، شکوفه و زبان زنان، بخشی از محتوای این روزنامه‌ها به آموزش سبک زندگی اختصاص داشت. «در تمامی روزنامه‌های زنانه قاجار، مطالبی تحت عنوان «حفظ الصحة» و «دختر خوب کدام است؟» یا «لزوم تربیت نسوان»، «دستور پرستاری و توجهات اطفال» و... منتشر می‌شد که سعی داشتند تا روش صحیح زندگی را به زنان بیاموزند» (حاجی‌آقابابایی و صالحی، ۱۳۹۸: ۹).

در کنار این آثار جدی، کتاب‌ها و رساله‌هایی نیز با لحن طنزآمیز نوشته شده است که نویسندگان آنها با بهره‌گیری از شگرد طنز در پی انتقاد از وضعیت موجود و آموزش شیوه مطلوب هستند. از میان این متون می‌توانیم به این آثار اشاره کنیم: رساله «مقویم یا مهمل التقویم» نوشته میرزا حبیب نظام افشار در نقد خرافات و انتقاد از توجه مردم به تأثیر ستارگان در زندگی روزمره ایشان؛ رساله منظوم «آداب مردی» از امیراصلان و رساله «تربیت نسوان» از یوسف خان مستوفی نیز به نقد مردسالاری موجود در جامعه عصر قاجار پرداخته‌اند. در رساله «آداب مردی» در نکوهش نگاه مردان به زنان چنین بیان شده است:

| | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| فرش و ظرف و کلنگ و بیل بود | زن به خانه از این قبیل بود |
| زن به خانه چو کاسه و پوشقاب | یا ضرور است همچو فرش و کتاب |
| آنچه ما دیده‌ایم این بوده | و آنچه دیدند خود چنین بوده |
| رای دیگر در این میان بود | که بجز این همه فسانه بود |
| اولاً زن نگیـر و آسـوده | تا نگردد به رنج آلوده... |

(امیراصلان، ۱۳۰۴ق: ۱۸)

یکی دیگر از آداب‌نامه‌های طنزآمیز این دوره، «رساله حضرت وافور» به نظم و نثر از ابوالقاسم تاجر یزدی است. نویسنده در این رساله از معضل اعتیاد انتقاد می‌کند و رفتار معتادان را به سخره می‌گیرد. در بخش اول به نظم در فواید و مضرات تریاک سخن می‌گوید و در بخش دوم، مطالبی به نثر، آداب وافور کشیدن و مسائل مربوط به آن را بیان می‌کند:

«مؤخرات وافور، چهار چیز است: اول قلیان را زیر لب گرفتن و طول دادن که اقل آن نیم ساعت بشود. دویم، خاموشی نمودن به قسمی که هر ده کلمه که با او صحبت بدارند، یک کلمه آهسته جواب بگوید. سیم، سر و صورت و گردن را خارانیدن است. چهارم، چشم‌ها را خماری نماید و خود را شبیه به خواب رفتن و چرت زدن بدارد» (تاجر یزدی، ۱۳۱۵ق: ۲۶).

ب) آداب‌نامه‌های مهارتی

دسته‌ای دیگر از آداب‌نامه‌ها به آموزش مهارت‌های کاربردی و شغل‌ها می‌پردازند که با زندگی روزمره مردمان در ارتباط است. موضوع و محتوای این آثار، بسیار گوناگون است. نویسندگان در این دوره به آموزش مهارت‌های گوناگونی مانند آشپزی، دلاکی، عکاسی، نانوبی و... می‌پردازند. برخی از این آموزه‌ها تحت تأثیر سنت‌های ایرانی و مهارت‌های سنتی است؛ مانند کتاب‌هایی درباره آشپزی، دلاکی، بازاری و...؛ اما برخی دیگر در پی تحولات جامعه و آشنایی با تمدن‌های غربی پدید آمده‌اند، مانند کتاب‌هایی درباره فن عکاسی (ر.ک: رحیمی، ۱۳۹۵). برای نمونه کتاب «فن عکاسی» ترجمه آنتوان سوروگین که بخش‌هایی از آن به آموزش آداب عکس گرفتن اختصاص دارد.

میرزا حسن رشده، کتاب «هدایه‌التعلیم فی اصول تدریس بدایه‌التعلیم» را برای آموزش چگونگی تدریس الفبا و ویژه معلمان نوشته است. «رساله‌نانوایان»، اثری است از نویسنده‌ای بی‌نام در آداب نان پختن و فروختن نان به نقل از امام صادق^(ع) و در قالب پرسش و پاسخ نوشته شده است. رساله «طبخ ایرانی و فرنگی» تألیف و ترجمه مسیو ریشارخان مؤدب‌الملک است که به آموزش پخت غذاهای ایرانی و فرانسوی می‌پردازد. کتاب «سفره اطعمه» اثر علی‌اکبر خان کاشانی، آشپز ویژه ناصرالدین شاه نیز رساله‌ای جامع در شرح غذاها و اجزا و شیوه ترکیب مواد غذایی است که به درخواست تولوزان، طبیب ویژه دربار نوشته شده است. کتاب «کارنامه خورش» اثر نادر میرزا قاجار نیز در دستور پخت غذاهای ایرانی است و نویسنده تلاش کرده است تا از واژه‌ها و ترکیب‌های عربی در کلام خود بهره نگیرد. رساله دیگری نیز با نام «جامع‌الصنایع» از مؤلفی

_____ آداب‌نامه‌نویسی در عصر قاجار؛ محمدرضا حاجی‌آقا بابایی و همکار / ۴۵

ناشناخته در آموزش آشپزی و بیش از ۱۸۰ نوع غذا نوشته شده است. از دیگر کتاب‌های این حوزه می‌توان از کتاب «راح الارواح» نوشته سید محمدحسین بن محمد اردستانی طباطبایی و رساله «دلایه» اثر کریم بن ابراهیم در آداب و آموزش دلاکی و فصد یاد کرد (ر.ک: بیگ‌پور، ۱۳۹۴).

یکی از موضوعات مهم در میان آداب‌نامه‌های مهارتی، پرداختن به بازنامه‌نویسی است که در ایران، ریشه‌ای کهن دارد. این دسته از آثار درباره تربیت باز و پرندگان شکاری است که در آن روزگار، طرفداران زیادی داشت. از بازنامه‌های این دوران می‌توان به «شاهبازنامه» اثر جمال‌الدین میرزا و «بازنامه ناصری» اثر تیمور میرزا قاجار اشاره کرد که در فن بازداری و آداب و فنون مربوط به آن نوشته شده‌اند.

«لازم است شکارچی خوش خلق و خوش‌زبان و بشاش باشد که خداوند کریم، رزق او به خوبی برساند، مدام شکارش به پای خودش پیش او می‌آید. پاک‌دست و پاک‌بدن و بانماز باشد تا خداوند عالم، او و قوش او را گرسنه به منزل برنگرداند. در وقت سوار شدن برای شکار، چهار قُل و آیه مبارکه آیه‌الکرسی را بخواند و بر اطراف خود بدمد، تا خداوند کریم، او را و همراهان او را از همه بلاها محافظت کند و شرّ عقاب را از جان قوش او دور گرداند» (تیمور میرزا، ۱۲۵۸: ۵۷).

پ) بازی‌نامه‌ها

گروهی دیگر از آداب‌نامه‌های عصر قاجار به آموزش سرگرمی و امور تفریحی اختصاص دارد که از میانه عصر قاجار، رواج فراوانی می‌یابد. یکی از عوامل مؤثر در این زمینه، علاقه ناصرالدین‌شاه به انواع خوش‌گذرانی‌ها به‌ویژه شکار و قمار است. در خاطرات و یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه به فراوانی از این موضوع یاد شده است.

«امروز هیچ خوابیدیم و شطرنج‌بازی زیادی کردیم. اکبرخان بازی کرد با منوچهر میرزا، باز باخت؛ خیلی بد بازی می‌کند. خیلی بازی شد، بعد برخاستیم چای و عصرانه خوردیم» (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۹۷: ۲۳۷).

«بعد از ناهار با صدراعظم شطرنج بازی کردیم، صدراعظم را مات کردیم. بعد صدراعظم با مهدی خان و اینها بازی کرد؛ مات کرد، مات شد؛ چند دست بازی کردند» (ناصرالدین شاه، ۱۳۹۷: ۲۸۰).

اعتمادالسلطنه نیز در روزنامه خاطرات خود به این مسئله چنین اشاره می‌کند: «خواجها متصل به تقلید بندگان همایون و صدر اعظم، مشغول انواع قمار هستند یا شطرنج یا تخته. حالا در دار دولت علییه، دو ثلث وقت خود را به قمار می‌گذرانند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۱۰۹۱).

این توجه ویژه به انواع سرگرمی، موجب پیدایی کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری درباره آموزش نرد و شطرنج و موضوعات مرتبط با قمار شد که از آن میان می‌توان به این آثار اشاره کرد: «السر و النیرنج در نرد و شطرنج» اثر ادیب‌الممالک فراهانی، «رساله در بازی نرد» از اعتضادالسلطنه، رساله «شطرنج‌نامه» نوشته محمد مردوخ در آداب بازی شطرنج، رساله «بازی شطرنج» از مؤلفی ناشناخته در عصر قاجار که به بیان آداب و قواعد بازی شطرنج و اندکی هم به تاریخ پیدایش آن پرداخته است. «شطرنجیه» اثر فرصت شیرازی در یک مقدمه و دو باب که هر باب مشتمل بر چند فصل است و یک خاتمه درباره قواعد و آداب بازی شطرنج و اصطلاحات آن که با اشعار و حکایات بسیاری آراسته شده است. «آداب‌القمار» اثر محمدامین قاجار در نه فصل (= لعب) و یک خاتمه بدین شرح تنظیم شده است:

«لعب اول در آداب شطرنج در سه بساط؛ لعب دوم در آداب نرد در سه بساط؛ لعب سوم در آداب آس در سه بساط؛ لعب چهارم در آداب گنجفه در سه بساط؛ لعب پنجم در آداب بیجاز در سه بساط؛ لعب ششم در آداب دوز بازی در دو بساط؛ لعب هفتم در آداب قاپ بازی در سه بساط؛ لعب هشتم در آداب قمارهایی با پول سیاه در سه بساط؛ لعب نهم در آداب قمارهای خاصی که هر یک در مکانی معین معمول و متداول است در پنج قسم و خاتمه در ذکر حکایات اتفاقیه و نکات بدیعه متعلقه به ارباب این فن» (قاجار، ۱۲۸۰: ۱۲-۱۴).

د) آداب‌نامه‌های سیاسی و نظامی

در میان آداب‌نامه‌های عصر قاجار، آثاری دیده می‌شود که به آموزش مبانی حکومت‌داری و شیوه درست رفتار حاکمان با مردم و زیردستان پرداخته‌اند و همچنین درباره چگونگی تشکیل نیروی نظامی منسجم، مطالبی را آموزش داده‌اند. این دسته از آداب‌نامه‌ها، بیشتر به سبب آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی عصر قاجار و آگاهی روزافزون اندیشمندان ایرانی از تحولات جهان پدید آمده است. اندیشمندان جامعه ایران در آن روزگار، راه برون‌رفت از این مشکلات را داشتن ساختار سیاسی منسجم و قانونمند می‌دانستند و در پی آن بودند تا با نوشتن آداب‌نامه‌های سیاسی به آموزش شیوه‌های درست حکومت‌داری بپردازند. «ظهور تدریجی نویسندگانی دردمند و ترقی‌طلب و وطن‌دوست و مردم‌خواه در داخل و خارج کشور، باعث شد تا گرایش به تألیف و نگارش آثار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، روند رو به گسترش و تکامل خود را ادامه داده، موجب پدید آمدن بیش از دویست رساله سیاسی یا اندرنامه سیاسی گردد» (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۷). کتاب‌ها و رساله‌های زیر را می‌توانیم از مهم‌ترین آداب‌نامه‌های سیاسی و نظامی آن دوران به شمار آوریم:

«منه‌اج‌العلی» اثر ابوطالب بهبهانی در یک مقدمه، دو باب و یک خاتمه به عقب‌ماندگی‌های ایران و مشکلات آن می‌پردازد و راه‌حل و علاج این مشکلات را پیروی از آداب و اسلوب حکومت‌های خارجی می‌داند. «راهنمای سفر» اثر مسیو مارتنسک به ترجمه میرزا عبدالرسول منشی تبریزی درباره اصول و آداب دیپلماسی نوشته شده است. از میان آداب‌نامه‌های نظامی این عصر می‌توان از «قواعد کلیه از برای مشق و حرکات پیاده‌نظام دولت علیه ایران» نام برد که بنا به فرمان ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۶۸ ق همراه با تصاویری برای تعلیم آداب حرکات نظامی به لشکریان نوشته شده است. نویسنده این اثر مشخص نیست. در همین زمان، اثر دیگری با نام «رساله در آداب جنگ» = قانون مشق نظام از علیرضا یکانلو سرهنگ مرندی نوشته شده است که رساله‌ای است درباره قانون مشق نظام و آداب و فنون جنگی. اعتمادالسلطنه نیز در رساله «امیریه یا قواعد نظام» به بیان چگونگی تشکیلات نظامی و رسیدگی به احوال سپاهیان پرداخته است.

«برای هر یک سرباز در سال، دو دست لباس از پارچه‌های ولایتی با ملاحظه دفع سرما و گرما باید ترتیب داد. به علاوه سه جفت کفش و دو جفت چکمه که کفایت پاپوش زمستانی و تابستانی را نماید. از برای سوار نیز لباسی مخصوص از پارچه‌های ولایتی لازم است و یک جفت کفش و یک جفت چکمه کافی است و قطار یا سینه‌بند تیماج برای جای فشنگ فلزی باید به هریک داده شود با لوازم استراحت و خواب» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۱: ۲۷۹).

اعتمادالسلطنه، رساله دیگری نیز با عنوان «تعیین حدود احترامات سفرا در ایران» درباره چگونگی احترام گذاشتن مقامات خارجی‌ها به شخص شاه و خاندان سلطنتی تألیف کرده است که در زمانه خود بی‌نظیر است.

«شاهنشاهزادگان عظام هنگام عبور از کوچه‌ها یا معابر و شوارع خارج از شهر، وقتی که به شخص وزرای مختار تصادف می‌کنند، در حالتی که وزیر مختار احتراماً ایستاده باشد و حرکت نکند، اندکی توقف می‌فرمایند و دو سه کلمه اظهار لطف شفاهی کرده، رد می‌شوند و از رتبه وزیر مختاری پایین‌تر را با دست، جواب خواهند داد. اگر وزیر مختار، سواره یا در کالسکه از عقب برسد، نباید از کالسکه شاهنشاهزادگان عظام بگذرد، مگر اینکه به واسطه یکی از خدام از شاهنشاهزادگان عظام اجازه بطلبد و پس از تحصیل اجازه عبور نمایند» (همان: ۳۸۹).

نتیجه‌گیری

آداب‌نامه، یکی از زیرگونه‌های ادبیات تعلیمی به شمار می‌آید که با توجه به جنبه‌های کاربردی آن، از نظر کمک به شناخت مسائل فرهنگی و تحولات اجتماعی هر دوره، اهمیت بسیاری دارد. آداب‌نامه، عنوانی کلی برای آن دسته از متون تعلیمی است که آموزه‌های عملی در حوزه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی ارائه می‌کنند و همچنین در پی آموزش مهارت‌های لازم برای حضور فرد در عرصه اجتماع هستند. در عصر قاجار با توجه به تحولات گوناگون در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و

اجتماعی، توجه به این دسته از متون به صورت چشم‌گیری افزایش یافت و اندیشمندان و فرهیختگان جامعه، آثار گوناگونی در موضوعات مختلف به شکل کتاب و رساله نوشته‌اند. با گسترش مطبوعات در این دوران و همچنین انتشار نشریه‌های تخصصی ویژه بانوان، روزنامه‌ها نیز بخشی از مطالب خود را به موضوع آداب‌نامه‌نویسی اختصاص دادند و برای آشنایی مخاطبان خود، به‌ویژه زنان و دختران، مطالبی را در حوزه سبک زندگی منتشر کردند.

زبان و نثر آداب‌نامه‌های عصر قاجار در آغاز بیشتر نثری بینابین است و گاهی آثار تکلف به سبب به کار بردن عبارتهای عربی و یا استفاده از اشعار و واژه‌های دشوار در متن دیده می‌شود. البته به نسبت دیگر متون این دوران، نثر آداب‌نامه‌ها، سادگی بیشتری دارد. با گسترش متون ترجمه‌شده و همچنین رونق روزنامه‌نگاری، نثر آداب‌نامه‌ها نیز به سمت‌وسوی سادگی حرکت کرد و مخاطبان به‌راحتی می‌توانستند از این دسته از متون بهره‌مند شوند.

مخاطبان آداب‌نامه‌ها عموماً مردان، شاهان و شاهزادگان و افراد شاخص اجتماع هستند. از میانه عصر قاجار به بعد، به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه، شاهد تغییر مخاطبان این گونه‌ها هستیم. بیشتر نویسندگان آداب‌نامه‌ها به این نکته مهم دست یافته بودند که برای ایجاد تحولات فرهنگی و اجتماعی لازم است به آموزش زنان و کودکان توجه ویژه‌ای داشته باشند. از این‌رو حجم آداب‌نامه‌هایی که برای نوجوانان و زنان نوشته شده است، از دوران انقلاب مشروطه به بعد فزونی می‌گیرد و آثار گوناگونی در زمینه‌های مختلف نوشته می‌شود.

ساختار آداب‌نامه‌ها نیز با توجه به تحولات اجتماعی دچار دگرگونی می‌شود. آداب‌نامه‌ها معمولاً با دیباچه‌ای در حمد و ستایش خداوند و درود بر پیامبر گرامی اسلام و همچنین مدح پادشاه یا کارگزاران حکومتی و تقدیم اثر به ایشان آغاز می‌شد و سپس نویسنده به موضوع مورد نظر خود می‌پرداخت. اندک‌اندک به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه در کنار تحولات سیاسی و اجتماعی، شاهد دگرگونی در ساختار بعضی از آداب‌نامه‌ها هستیم. نویسندگان این آثار، بدون پیروی از ساختار گذشتگان، از همان آغاز

با زبانی ساده به بیان آموزه‌های مورد نظر خود پرداخته‌اند و این تغییر ساختار، برخاسته از تغییر نگرشی است که در سطح جامعه پدید آمده است. از نظر محتوایی نیز آداب‌نامه‌های عصر قاجار متأثر از تحولات اجتماعی آن روزگار هستند و با مطالعه آنها می‌توانیم به دگرگونی‌هایی که در اجتماع آن روزگار پدید آمده است، پی ببریم. با توجه به تحولات گوناگون سیاسی و فرهنگی در جامعه آن روز ایران، شاهد پیدایی کتاب‌هایی هستیم که بیشتر جنبه کاربردی و مهارتی دارند و در پی آموزش و آماده‌سازی افراد برای حضور مؤثر در جامعه هستند. آداب‌نامه‌هایی که به آموزش مسائل اخلاقی اختصاص دارد نیز بیشتر به آموزش سبک زندگی و آداب معاشرت پرداخته‌اند و این امر بیانگر دور شدن جامعه ایرانی از دیدگاه‌های سنتی و حرکت به سمت‌وسوی دورانی تازه است.

منابع

- آجودانی، ماشالله (۱۳۸۵) یا مرگ یا تجدد، چاپ سوم، تهران، اختران.
- اعتمادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۲۹۳ق) رساله در بازی نود (نرد)، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره نسخه ۸۹۵۷/۲.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۴۵) روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- (۱۳۹۱) رسایل اعتمادالسلطنه، تدوین میرهاشم محدث، تهران، اطلاعات.
- امیر اصلان (۱۳۰۴ق) مرد و آداب مردی، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۲۳۰۱-۵.
- ایران‌پور، امین (۱۳۹۸) تبیین جایگاه آداب‌نامه‌های مشق در نظام سنتی آموزش در خوش‌نویسی اسلامی، پایان‌نامه دکتری رشته تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، به راهنمایی علی‌اصغر شیرازی، دانشگاه شاهد، دانشکده هنر.
- بابایی، رضا (۱۳۸۴) «آیین تقدیم‌نامه‌نویسی»، فصلنامه پژوهش و حوزه، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۲۲۳-۲۳۸.
- بهبهانی، ابوطالب (۱۲۹۲ق) منهج‌العلی، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۰۸۷۶-۵.
- بهبهانی، محمدباقر (بی‌تا) آداب‌التجاره، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۰۳۱۴-۵.
- بیگ باباپور، یوسف (۱۳۹۴) دو رساله در دلاکی، ماساژ درمانی و فصد از دوره قاجاریه، تهران، سفیر اردهال.
- بی‌نام (۱۲۶۸) قواعد کلیه: از برای مشق و حرکات پیاده نظام دولت علیه ایران، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۲۶۵۷-۶.
- (۱۳۰۴) تأدیب‌النسوان، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۶۱۶۱-۶.
- (۱۳۸۹) جامع‌الصنایع: آشپزی‌نامه از عصر قاجار، تصحیح و تعلیق ایرج افشار، تهران، میراث مکتوب.
- (بی‌تا) بازی شطرنج، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۸۶۵۵-۵.
- (قرن ۱۲) رساله‌انویان، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۳۸۶۶/۲.
- (۱۳۹۵) علم طبخ «علم‌الطبخ‌الاطعمه و الاشربه و المزورات و المعالین»، به اهتمام امیرصیاد عبدی و سمن حصیعی، تهران، سفیر اردهال.
- تاجر یزدی، محمدباقر (۱۳۱۵ق) رساله حضرت وافور، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۶-۷۱۵۰.
- تبریزی، میرزا آقا تبریزی (منشی‌باشی) (۱۳۸۲) چهار تیاتر و رساله اخلاقیه، به اهتمام حسین محمدزاده صدیق، تهران، نمایش (انجمن نمایش).

ترابی فارسانی، سهیلا و زرین شرفیان‌پور (۱۴۰۱) آداب تربیت در روند نوگرایی؛ از خلال آداب‌نامه‌های اجتماعی دوره قاجار، تهران، تاریخ ایران.

ترابی فارسانی، سهیلا و علی‌اکبر غندی (۱۳۹۴) «آداب‌نامه‌ها و جایگاه آنها در تاریخ‌نگاری اجتماعی»، نشریه تاریخ ایران و اسلام، سال بیست‌وپنجم، شماره ۲۷، صص ۶۵-۱۰۲.

ترکمنی‌آذر، پروین (۱۳۹۹) «جایگاه و عملکرد رکن سپاه در ساختار حکومت ایرانیان (مطالعه‌ای بر آداب‌نامه‌ها و متون تاریخی قرن ششم)»، جستارهای تاریخی، دوره یازدهم، شماره ۲، صص ۱-۳۱.

جمال‌الدین میرزا (سده ۱۳) شاهبازنامه، نسخه خطی، کتابخانه دانشگاه تهران، شماره نسخه: ۲۴۳۶. حاجی‌آقابابایی، محمدرضا (۱۴۰۰) گونه‌شناسی نثر فارسی در عصر قاجار، تهران، مهراندیش.

زبان و ادبیات فارسی، سال سی‌ویکم، شماره ۹۵، صص ۸۳-۱۱۰. حاجی‌آقابابایی، محمدرضا و نرگس صالحی (۱۳۹۸) «بررسی آموزه‌های تعلیمی در نخستین مطبوعات تخصصی زنان»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۱-۲۸.

حسام‌الدوله، تیمور میرزا (۱۳۸۵ق) بازنامه ناصری، چاپ سنگی، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ۲-۱۰۲۴۶.

خلوتی، محمدابراهیم بن احمد (۱۲۶۴) آداب ناصری، چاپ سنگی، تهران، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۶-۲۰۸۰۱.

رحیمی، عباس (۱۳۹۵) قاجاریه و آموزش عکاسی، تهران، فرزانه روز. رشدیه، میرزا حسن (۱۳۲۱ق) هدایه‌التعلیم فی اصول تدریس بدایه‌التعلیم، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۶-۱۲۹۶۳.

رمزی، سکینه (فخرالتاج) (۱۳۳۴ق) تأدیبات الحسنت یا حفظ الصحه اطفال، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۶-۱۲۱۷۴.

ریشار خان مؤدب‌الملک (۱۳۲۳ق) طبخ ایرانی و فرنگی، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۶-۱۸۱۸۲.

زرگری‌نژاد، غلام‌حسین (۱۳۸۰) رسائل سیاسی عصر قاجار، جلد ۱، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

سعادت، احمد (۱۳۴۲ق) رهنمای سعادت، چاپ سنگی، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ۴۲۱۹-۱۱.

سوروگین، آنتوان (۱۲۹۵ق) فن عکاسی، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۶-۱۱۶۷۹. شیرازی، میرزا محمد (۱۳۱۵ق) مفتاح الرزق فی آداب الخادم و المخدوم، چاپ سنگی، کتابخانه

آداب نامه نویسی در عصر قاجار؛ محمدرضا حاجی آقا بابایی و همکار / ۵۳

- ملی، شماره بازیابی ۱۵۸۲۵-۶.
- فراهانی، ادیب الممالک (۱۳۱۴ق) کتاب السحر و النیرنج فی الرد و الشطرنج، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره بازیابی ۷۵۸۷.
- فرصت شیرازی (۱۲۹۱ق) رساله شطرنجیه، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۵۵۰۷.
- فشارکی، محمدباقر بن محمدجعفر (سده ۱۳) آداب الشریعه المطهره، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۳۱۳۵۷-۶.
- قاجار، محمدامین میرزا (۱۲۸۰ق) آداب القمار، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۱۲۹۱-۵.
- قاجار، نادر میرزا (۱۳۹۹) کارنامه خورش، به کوشش نازیلا ناظمی، تهران، اطراف قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۶) «آداب صناعات (آداب نامه های مشق در مقام منابع تاریخ هنر ایران)»، گلستان هنر، دوره سوم، ش ۴، صص ۵-۱۷.
- کاشانی، علی اکبرخان (۱۳۵۳) سفره اطعمه، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- مارتنسک (سده ۱۳) راهنمای سفر، ترجمه میرزا عبدالرسول منشی تبریزی، چاپ سنگی، کتابخانه مجلس، شماره مدرک: ۱۶۸۸-۱.
- محمدکاظم بن محمدعلی (سده ۱۴) رساله در احکام صید و ذباحت، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۵۷۲۶-۵.
- مردوخ، محمد (۱۳۱۸ق) شطرنج نامه، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۲۰۶۷۴-۶.
- مظفری، محمدعلی خان (۱۳۴۵ق) حفظ الصّحّه مظفری، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۲۵۰۰۲-۶.
- مفتاح الملک مازندرانی، محمود (۱۳۹۶) تأدیبات الاطفال، به کوشش علی کاشفی خوانساری، تهران، مدرسه.
- منشی، عزیزالله خان (۱۳۲۹ق) تربیت البنات، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۲۲۳۲-۶.
- میرزا محمد علیخان (۱۳۲۹ق) تعلیم البنات، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۲۲۳۶۲-۶.
- نائل خانلری، پرویز (۱۳۲۶) «نثر فارسی در دوره اخیر». نخستین کنگره نویسندگان ایران. تهران. نگین. صص ۱۲۸-۱۷۵.
- ناجی قزوینی، میرزا باقر (سده ۱۳) تزویج نامه (نکاحیه)، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۹۹۹۲-۵.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۷) روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار (از رجب ۱۲۸۴ تا صفر ۱۲۸۷)، به کوشش مجید عبدامین، تهران، سخن.
- نظام افشار، میرزا حبیب الله (۱۳۲۴ق) مهمل التقویم، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی

۵۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره هفتاد و یکم، زمستان ۱۴۰۲

۶-۱۵۲۷۵

نوایی، میرزا آقاخان (۱۳۱۶ق) اخلاق مظفری، چاپ سنگی، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۰۷۳۷-۶.
----- (۱۳۹۷) اخلاق مظفری، به کوشش سید محسن مهربانی، تهران، مدرسه.
یکانلو سرهنگ مرنودی، علیرضا خان (بی تا) رساله در آداب جنگ = قانون مشق نظام، نسخه خطی،
کتابخانه مجلس، شماره بازیابی ۶۵۹ک.